



## بررسی راهکارهای مقابله‌ای خشونت جنسی علیه زنان

فاطمه اسدی، فریبا فیضی<sup>۱</sup>

فریبا فیضی، دانشجو کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی Fariba.feizii@gmail.com

بیماری‌های عفونی بیشتر است (هیس و دیگران، ۱۹۹۸: ۲۶۲-۲۹۱). مسئله خشونت علیه زنان چنان فراگیر و بدون مرز است که نهادهای جهانی نظیر سازمان ملل متحد و سازمان‌های دفاع از حقوق بشر را واداشته است که در برابر این موضوع واکنش نشان دهند، به طوری که در قطعنامه کنفرانس حقوق بشر که در سال ۱۹۹۷ در وین برگزار شد، با اشاره به اشکال خشونت اعمال شده علیه زنان در سراسر جهان، بر این نکته تأکید شده است که «باید در نگرش مردان به زنان تغییراتی داده شود و زنان به مردان یاری برسانند که در برداشته‌های خود درباره زنان تجدید نظر کنند (کار، ۱۳۸۰: ۱۸).

در بیشتر فرهنگ‌ها به قول موری اشتراوس (Strauss, 1978:455) پدر و مادر بودن جواز کتک زدن را فراهم می‌سازد و «عقدنامه جواز کتک زدن است» و خشونت بازتاب الگوهای کلی تر رفتار می‌باشد (گیدنز، ۲۰۱: ۱۳۷۳).

### اهداف

مهم‌ترین اهداف این مقاله عبارتند از:

۱. دستیابی به علل و عوامل خشونت جنسی علیه زنان
۲. انواع خشونت علیه زنان
۳. فردای و یا اجتماعی بودن خشونت علیه زنان و علل پنهان ماندن آن
۴. نقش خانواده به عنوان پایدارترین نهاد اجتماعی در بروز این پدیده
۵. ارائه راهکار مقابله‌ای خشونت جنسی علیه زنان

### چارچوب نظری

بررسی موضوع مقاله حاضر، مستلزم پرداختن به نظریه‌هایی است که به مناسبت‌هایی از جانب روان‌شناسان و دانشمندان علوم اجتماعی درباره علل خشونت جنسی، ابراز گردیده است. این علل و عوامل را می‌توان از بعد زیستی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد.

### عوامل خشونت جنسی علیه زنان

عواملی که شخص را به خشونت در مفهوم خاص آن هدایت می‌کنند، می‌توان به عوامل اتفاقی و پایدار طبقه‌بندی کرد. ارتباط مستقیم هیچ‌یک از عوامل پایدار با خشونت جنسی به طور قطع اثبات نشده است. بررسی مختصر آنها برای سنجیدن ارزش و تأثیر هر کدام ضرورت دارد.

### اوصاف ژنتیکی

اگر از تفاوت میان ژن‌های زنانه و مردانه از حیث شکل و ماندگاری کروموزوم‌های جنسیتی بگذریم، برخی از مطالعات اخیر بیانگر آن است که مردان جوان تمایل بیشتری به داشتن شرکای جنسی متفاوت و تمایل کمتری به رابطه مداوم با فرد خاص و نداشتن رقیب دارند. حال آنکه عکس این ویژگی‌ها برای زنان جوان ادعا شده است (Shackelford, et al., 2005: 447).

### جنبه‌های روانی و روانپزشکی

**طرح مسئله:** یکی از اقسام آسیب‌های اجتماعی در جامعه که به دلیل مسائل فرهنگی اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته، خشونت جنسی علیه زنان است. بررسی جداگانه خشونت جنسی در مطالعات جامعه‌شناسی و روانشناسی از میزان رشد روزافزون و ضرورت توجه ویژه به آن حکایت دارد.

**روش:** این مطالعه با روش کتابخانه‌ای انجام شده است و هدف آن، بررسی و ارائه راهکارهای مقابله‌ای خشونت علیه زنان برای پیشگیری از این نوع خشونت می‌باشد.

**نتایج:** پیشگیری از خشونت جنسی علیه زنان، در درجه نخست نیازمند فرهنگ‌سازی و آموزش زنان در شناخت حقوق خود، تسلط بر مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های حل مسئله، مهارت‌های زندگی با ابعاد متعادل و نیاز به درمان زنان آزرده و در وهله دوم، ایجاد مراکز آموزشی حرفه‌ای برای زنان و دختران جهت جلوگیری از خرید و فروش آنان.

**کلیدواژه‌ها:** خشونت جنسی، خشونت علیه زنان، پیشگیری، راهکارهای مقابله‌ای خشونت.

### مقدمه

خانواده نخستین و پایدارترین نهادهای اجتماعی است که هویت انسانی و جامعه‌پذیری فرد در آن شکل می‌گیرد و موجب پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و همچنین انتقال الگوهای روابط و تعامل به سایر نهادهای اجتماعی است. بدون شک، هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده باشد (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۱۲-۱۱). بنابراین، وجود خشونت در الگوهای خانوادگی موجب تسری آن به جامعه و تداوم الگوها و رفتارهای خشن در مناسبات اجتماعی است. بچه‌هایی که مادران آن‌ها مورد آزارهای فیزیکی پدرشان قرار می‌گیرند در معرض خطر بالاتری برای انتقال رفتارهای خشونت‌آمیز به نسل بعدی قرار دارند (انجمن روان‌شناسی آمریکا، ۱۹۹۶: ۵۲۷). شوهرانی که اقدام به کتک زدن زنان خود می‌کنند در خانواده پدری شاهد کتک خوردن مادران از پدرانشان بوده‌اند (روی، ۱۳۷۷: ۲۱۴). زن‌آزاری در طول نسل منتقل می‌شود و نه فقط نسل حاضر بلکه نسل بعدی را هم تهدید می‌کند (نازپرور، ۱۳۷۶: ۶۹-۶۸). سابقه زد و خورد در والدین (شاهد خشونت والدین بودن در خانواده مبدأ) بیشتر از مسائل محیطی در مسئله زن‌آزاری مؤثر است (کلاهی، ۱۳۷۸: ۷۵). رفتار خشن با زنان در تمام جوامع و کشورها و در همه سطوح اجتماعی و اقتصادی دیده می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که از نظر اقتصادی و اجتماعی در سطوح پایین‌تری هستند در معرض احتمال بیشتر خشونت قرار دارند. مشکلات اقتصادی (ساروخانی، ۱۹۹۹: ب: ۳۴) مهم‌ترین عامل خشونت خانگی است. براساس آمارهای جهانی (انجمن روان‌شناسی آمریکا، ۱۹۹۶) وسعت مرگ‌ومیر و ناتوانی ناشی از خشونت در میان زنانی که در سنین باروری هستند، با مرگ‌ومیر و ناتوانی ناشی از سرطان‌ها برابر و از تلفات ناشی از سوانح رانندگی و